



An Analysis of Scrap Learning Dimensions in Technical & Vocational Training (Work & Knowledge Branch) Senior High Schools

Gholamreza Hasanpour Dehnavi¹, Hossein Momenimahmouei^{1*}, Mehdi Zirak¹, Aliakbar Ajam¹

¹ Department of Educational Sciences, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran

*Corresponding author: Hossein Momenimahmouei, Department of Educational Sciences, Torbat-e Heydariyeh Branch, Islamic Azad University, Torbat-e Heydariyeh, Iran
Email: Momenimahmouei@yahoo.com

Article Info

Keywords: Analysis, Curriculum, Scrap learning, Technical vocational, Work and knowledge

Abstract

Introduction: Undesirable teachings or curriculum, pave the way for training unqualified people. Among these, improving available curriculum are very significant. The present study aims to analyze scrap learning dimensions in technical and vocational training (work & knowledge branch) senior high schools. The study uses a qualitative approach.

Methods: The present study was qualitative in nature and in terms of the type of study it was content analysis. To achieve the experts' consensus a semi-structured interview through a snowball sampling technique was used. Theoretical saturation was found during the 11th interview. Having used a qualitative content analysis technique, the researchers encoded the data obtained from the interviews and elicited the model and dimensions of scrap learning dimensions by using MAXQDA 12.

Results: The proposed model includes such dimensions and components as content (knowledge, skill, attitude), structural characteristics (professionalism, protectionism, concentration, formality, politicization, complexity), educational context (educational facilities, educational aids, financial resources, communication network, educational environment), learners' characteristics (motivational ability, mental ability, cognitive ability, technical ability, the ability to achieve a goal), instructors' characteristics (creativity, scientific ability, motivational ability, personality trait) and educational processes (inappropriate need assessment, designing, implementation, evaluation).

Conclusion: Findings of the study indicated that there are a variety of dimensions and components which create and form the scrap learning. This type of curriculum can exist partially in all educational courses and levels ranging from work and knowledge high schools to higher education, even medical sciences.

Copyright © 2020, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

واکاوی ابعاد برنامه درسی زاید دوره متوسطه دوم آموزش فنی حرفه ای شاخه کاردانش

غلامرضا حسن پوردهنوی^۱، حسین مؤمنی مهموئی^۲، مهدی زیرک^۳، علی اکبر عجم^۴

^۱گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران

*نویسنده مسؤول: حسین مؤمنی مهموئی، گروه علوم تربیتی، واحد تربت حیدریه، دانشگاه آزاد اسلامی، تربت حیدریه، ایران. ایمیل: Momenimahmouei@yahoo.com

چکیده

مقدمه: غیر اثربخش بودن آموزش‌ها یا برنامه‌های درسی نامطلوب، زمینه پرورش افراد با صلاحیت‌های پایین را فراهم می‌آورد. در این میان ارتقاء و کیفیت بخشی به برنامه‌های درسی موجود بسیار حائز اهمیت است. هدف پژوهش واکاوی ابعاد برنامه درسی زاید دوره متوسطه دوم آموزش فنی حرفه‌ای شاخه کاردانش بود.

روش‌ها: تحقیق حاضر از نظر ماهیت پژوهش کیفی و از حیث نوع مطالعه تحلیل محتوا بود. برای دستیابی به اجماع نظر متخصصان از مصاحبه نیمه ساختارمند به روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده شد که اشباع نظری در مصاحبه ۱۱ محرز گردید. سپس با استفاده از تحلیل محتوای کیفی استقرایی داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها کدگذاری شد و در نهایت با نرم افزار کیفی مکس کیودا ۱۲ مدل و ابعاد برنامه درسی زاید استخراج گردید.

یافته‌ها: مدل به دست آمده شامل ابعاد و مؤلفه‌های محتوا (محتوای دانشی، مهارتی و نگرشی)، ویژگی‌های ساختاری (حرفه‌ای گرایی، حمایت گرایی، تمرکز، رسمیت، سیاست گرایی و پیچیدگی)، فضای آموزشی (امکانات آموزشی، وسایل کمک آموزشی، منابع مالی، شبکه ارتباطی و محیط آموزشی)، ویژگی‌های فراگیران (توانایی انگیزشی، توانایی ذهنی، توانایی شناختی، توانایی فنی و توانایی نیل به هدف)، ویژگی‌های یاددهندگان (خلاقیت، توانایی علمی، توانایی انگیزشی و ویژگی شخصیتی) و فرایندهای آموزشی (نیازسنجی نامطلوب، طراحی، اجرا و ارزشیابی) هستند. **نتیجه‌گیری:** یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی در پیدایش و شکل‌گیری برنامه درسی زاید وجود دارد. این نوع از برنامه درسی به طور نسبی در همه دوره‌ها و مقاطع تحصیلی از آموزش متوسطه شاخه کاردانش گرفته تا آموزش عالی حتی دوره‌های علوم پزشکی نیز می‌تواند وجود داشته باشد.

واژگان کلیدی: واکاوی، برنامه درسی، برنامه درسی زاید، فنی حرفه‌ای، کاردانش

بسیاری از محققان آموزش و پرورش را محل پژوهش و نوآوری می‌دانند و بر این باورند که آموزش و پرورش خلاق، مکانی آموزشی و پایه کار آن تولید و ارتقای کیفیت دانش است و آموزش و پرورش برترین جایگاه و سازمان را برای پژوهش، خلاقیت و نوآوری فراهم می‌کند [۱]. از این رو فعالیت‌های آموزشی مشتمل بر فاکتورهای متعددی است که در این میان برنامه‌های درسی نقش کلیدی در توفیق یا شکست مراکز آموزشی برعهده دارند [۲]. به همین جهت در میان عوامل مؤثر در پیشبرد اهداف نظام آموزشی نقش برنامه‌های درسی برجسته‌تر از سایر عوامل است. به طوری که همگان اذعان دارند برنامه درسی قلب تپنده نظام آموزشی به شمار می‌رود و کارایی نظام آموزشی بسته به کارایی برنامه‌های درسی آن دارد. از طرفی رشد و توسعه شتابان حوزه برنامه درسی، خصوصا وجود دیدگاه‌ها، نقطه نظرات و برداشت‌های گوناگون از آن، از یک سو زمینه‌ساز ظهور مفاهیم و قلمروهای جدید برای این برنامه نوینداده است [۳]. در این میان یکی از این مفاهیم نوظهور، پیدایش مفهوم برنامه درسی زاید در کنار سایر مفاهیم برنامه درسی است. این واژه را در کشور ما برای اولین بار فتحی و اجارگاه (۱۳۹۰) مطرح کرد و آن را در کنار سایر انواع برنامه‌های درسی مرسوم و رایج قرار داد. او با معرفی عنوان «آنچه در نظام آموزشی هست، اما کارآمد نیست». به معرفی برنامه درسی زاید در نظام آموزشی پرداخت [۴]. مفهومی که با اثربخشی و کیفیت برنامه‌های درسی در ارتباط است و می‌تواند موجبات ایجاد برنامه‌های درسی اثر بخش را پدید آورد [۵]. هالتون [۶] معتقد است زمانی می‌توانیم بگوییم که فرایند آموزش رخ داده و یا رفتار یادگرفته شده، که آنچه را که توسط یادگیرنده آموخته شده، در یک دوره زمانی مشخص به زمینه کار عمومیت یابد و توسط یادگیرندگان به کار رود. [۷] نیز معتقد است ناتوانی در انتقال و کاربرد عملی آنچه که در آموزش‌های تخصصی فراگرفته شده، در واقع اتلاف وقت هزینه و یادگیری زاید است. [۸] دریافت که ۶۰ درصد از یادگیری‌های آموخته شده در شغل به کاربرده نمی‌شوند. [۹] نیز بیان می‌دارد که در حدود ۵۵ تا ۸۰ درصد آموزش‌ها یادگیری زاید هستند و هرگز کاربردی نمی‌شوند. [۱۰] نیز دریافت که ۶۲ درصد کارکنان خیلی سریع آموزش را به جهان واقعی منتقل می‌کنند و ۴۴ درصد بعد از ۶ ماه انتقال می‌دهند و این یعنی نرخ یادگیری زاید به ترتیب ۳۸ و ۵۶ درصد می‌باشد. [۱۱] نیز اشاره دارند که ۶۵ درصد از آنچه در برنامه آموزشی آموخته می‌شود، در شغل به طور بهینه به کار گرفته نمی‌شود. بر این اساس در عصری که به عصر جهانی شدن مشهور است و در شرایط کنونی بازار کار جهانی که دنیا به طور مداوم در حال پیشرفت، تغییر و تحول است دیگر جایی برای برنامه‌های درسی با سر فصل‌های از پیش تعیین شده و محتوایی که به روز نیست، وجود ندارد [۱۲]. در میان زیر

نظام‌های آموزش و پرورش، نظام آموزش متوسطه و به خصوص شاخه کاردانش به دلیل نقش آن در پرورش توانایی‌ها، تربیت نیروی انسانی ماهر و نیمه‌ماهر، استادکاری، سرپرستی برای بخش‌های صنعت، خدمات و کشاورزی و ساخت و ماهیت خود تأثیر ویژه‌ای در میزان موفقیت برنامه‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی دارد. برای نیل به این رسالت، مراکز آموزش فنی حرفه ای و کاردانش شیدیدا به ارتقاء کیفیت آموزشی نیازمندند [۱۳]. پس نظام آموزش و پرورش به ویژه آموزش فنی حرفه ای باید خود را با نیازهای هنرآموزان، جوانان، جامعه و حتی دنیا منطبق نماید و همواره در حال اصلاح، بازنگری و بازبینی برنامه‌های درسی موجود و حذف برنامه‌های درسی ناکارآمد و غیر مؤثر باشد. از این رو برنامه‌های درسی پس از طراحی و اجرای مکرر در طی زمان ضرورتا باید به صورت ادواری مورد تجدید نظر قرار بگیرند، در غیر این صورت پدیده‌ای تحت عنوان «رو به زوال رفتن برنامه درسی» اتفاق می‌افتد [۴]. بر اساس منابع موجود و با توجه به این که مفهوم برنامه درسی زاید به تازگی در مفاهیم برنامه درسی مطرح شده و مفهومی تقریبا جدید محسوب می‌شود، پژوهش‌هایی اندک در این زمینه در داخل کشور انجام شده است. نخستین پژوهش در ایران توسط حسینی لرگانی [۴] تحت عنوان «مفهوم سازی برنامه درسی زاید در آموزش عالی» صورت گرفته است که در آن به مفهوم سازی برنامه درسی زاید پرداخته و مدلی تحت عنوان الگوی سنجش برنامه درسی زاید در آموزش عالی ارائه داده است. تحقیق دیگری تحت عنوان «طراحی مدل کاهش ضایعات برنامه درسی در آموزش های فنی حرفه ای» توسط طرخان و همکاران [۵] انجام شده است که در آن به کاهش ضایعات یادگیری در آموزش های فنی حرفه ای پرداخته شده است. از سوی دیگر خلأ مطالعاتی در زمینه شناسایی، تبیین و معرفی عوامل اصلی و مهم اثرگذار بر برنامه‌های درسی بویژه برنامه درسی زاید به عنوان یک مفهوم نوظهور در نظام آموزشی احساس می‌شود. با این حال تحقیقات اندک انجام شده در این زمینه به وجود و اهمیت این نوع از برنامه درسی در مدارس و نظام‌های آموزشی تأکید دارند. لذا با توجه به این که برنامه‌های درسی نامطلوب و آموزش‌های غیر اثربخش در مدارس متوسطه کاردانش، زمینه پرورش افراد و فراگیران با صلاحیت‌های پایین را فراهم می‌آورد، یکی از راه‌های ارتقاء و کیفیت بخشی به برنامه‌های درسی توجه ویژه به برنامه درسی زاید و عوامل مؤثر بر پیدایش آن است. بنابراین همت گماشتن و انجام پژوهش‌هایی که بتواند به گونه‌ای در جهت رفع و یا کاهش عوامل بوجود آوردن برنامه درسی زاید یا بی‌فایده گام بردارند خالی از لطف نخواهد بود و انجام این قبیل تحقیقات قطعا در راستای کاهش برنامه درسی زاید مؤثر خواهد افتاد. به همین منظور سؤالات اصلی که در این تحقیق به آنها پرداخته شده است عبارت اند از:

- ۱- مؤلفه‌های پیش بینی کننده ابعاد برنامه درسی زاید فنی حرفه ای متوسطه دوم شاخه کاردانش چیست؟
- ۲- ابعاد و مؤلفه‌های الگوی برنامه درسی زاید فنی حرفه ای متوسطه دوم شاخه کاردانش چگونه است؟

روش ها

پژوهش حاضر از نظر ماهیت در زمره تحقیقات کیفی به شمار می‌رود. رویکرد مورد استفاده در این تحقیق روش تحلیل محتوای استقرایی بود. مسئله اصلی در هر طرح پژوهش تحلیل محتوا گزینش و تعریف مقوله‌هاست، یعنی فضایی که واحدهای محتوا باید در آن طبقه بندی شوند [۱۴]. ابزار مورد استفاده برای پاسخ‌گویی به سؤال اول مصاحبه با متخصصان بود. بدین منظور برای دست یابی به اجماع نظر متخصصان از مصاحبه نیمه ساختارمند به روش نمونه‌گیری گلوله برفی به شیوه کاهشی استفاده شد. لذا با متخصصان برنامه‌ریزی درسی و صاحب نظران آموزش فنی حرفه ای شاخه کاردانش مصاحبه به عمل آمد که اشباع نظری در مصاحبه ۱۱ محرز گردید. معیار ورود به مصاحبه، داشتن سابقه دانشگاهی بیش از ۱۰ سال، تحصیلات دکتری و بعضا رتبه دانشگاهی استادیار و دانشیار بوده است. همچنین مشارکت کنندگان سابقه تدریس بسیار درخشان و صاحب اثر کتاب و مقالات علمی ملی و بین المللی بوده‌اند. ملاک اصلی مشارکت کنندگان، تخصص افراد در برنامه درسی و یا تدریس دروس مرتبط با کاردانش بوده است که بعضا افراد مذکور در جریان کامل تغییرات برنامه درسی بوده‌اند. سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها کدگذاری گردید. فرایند کدگذاری با استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی در سه گام کدگذاری باز، انتخابی و گزینشی انجام گردید. بعد از اتمام مراحل کدگذاری و احصاء ابعاد و مؤلفه‌ها و عبارات‌های کوتاه از واحدهای معنایی مصاحبه، برای پاسخ‌گویی به سؤال دوم داده‌های نهایی وارد نرم افزار کیفی مکس کیودا ۱۲ گردید و در نهایت مدل و ابعاد برنامه درسی زاید فنی حرفه ای

متوسطه دوم شاخه کاردانش استخراج گردید. این مطالعه به لحاظ بازه زمانی در سال های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ و به لحاظ بعد مکانی در سطح متخصصان برنامه درسی و صاحب نظران آموزش فنی حرفه ای و کاردانش انجام گردیده است. [۱۵] در نوشته‌های خود بیان می‌دارند: اصولا هدف از بررسی روایی، دقت و استحکام تحقیق کیفی آن است که اطمینان حاصل شود که مطالعه دقیقا بیانگر تجربیات مشارکت کنندگان در تحقیق باشد. همچنین یکی از بهترین روش‌ها برای کسب مقبولیت و اعتبار، درگیری طولانی مدت با موضوع است. لذا در این پژوهش درگیری مداوم با مشارکت کنندگان و اخذ تجربیات آنها از روش‌هایی است که برای افزایش اعتبار به کار گرفته شد. روش دیگر برای بدست آوردن اعتبار لازم برای پژوهش بازبینی یافته‌ها توسط مشارکت کنندگان می‌باشد. به عبارت دیگر هنگام انجام مصاحبه، کلیه سؤالات مصاحبه در همان بخش، از خبرگان پرسیده شد که آیا منظور شما از نقل این مطلب، همین مطلبی می‌باشد که محقق برداشت نموده است یا خیر؟ در این پژوهش محقق پس از معرفی خود و توضیح مختصر و روشن در مورد پژوهش و هدف از انجام آن برای شرکت کنندگان در طرح، از آن‌ها رضایت کامل مبنی بر شرکت در انجام مصاحبه را گرفت. ضبط و ثبت گفته‌های مشارکت کنندگان با رضایت خود آن‌ها صورت پذیرفت. مصاحبه‌ها هم کاملا با توافق طرفین انجام شد. شرکت در مصاحبه و انصراف از آن نیز توافقی و کاملا آگاهانه و بر اساس رضایت‌مندی بود. اسامی مشارکت کنندگان در پژوهش فقط برای محقق معلوم بود. به مشارکت کنندگان نیز اطمینان داده شد که اطلاعات حاصل از مصاحبه به صورت محرمانه نگهداری و در اختیار دیگران قرار نخواهد گرفت.

یافته‌ها

در ابتدا ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان آورده شده است و پس از آن به تحلیل داده‌های مصاحبه با روش تحقیق تحلیل محتوا پرداخته شده است.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه شوندگان

ردیف	جنسیت	تحصیلات	سابقه دانشگاهی	سنوات
۱	مرد	دکتری برنامه درسی	مدیر گروه برنامه درسی-دانشیار هیئت علمی	۱۷ سال
۲	مرد	دکتری برنامه درسی	رئیس دانشگاه-استادیار هیئت علمی	۱۲ سال
۳	مرد	دکتری برنامه درسی	استادیار هیئت علمی	۱۴ سال
۴	مرد	دکتری برنامه درسی	دانشیار و مدیر گروه علوم تربیتی و هیئت علمی	۱۵ سال
۵	مرد	دکتری برنامه درسی	استادیار و هیئت علمی	۲۴ سال
۶	مرد	دکتری برنامه درسی	مدرس دانشگاه حق التدریس	۳۰ سال
۷	مرد	فوق لیسانس برق	مدرس دانشگاه- مدرس هنرستان	۲۵ سال
۸	مرد	فوق لیسانس زراعت	استاد کار هنرستان کشاورز	۲۴ سال
۹	مرد	فوق لیسانس برق	مدرس دانشگاه و هنرستان-کارشناس مقطع	۱۷ سال
۱۰	مرد	فوق لیسانس عمران	استاد کار هنرستان کاردانش	۲۴ سال
۱۱	مرد	دکتری تحقیقات...	رئیس هنرستان-مدرس دانشگاه	۲۰ سال

برای دست یابی به پاسخ به سؤال اول، از متخصصان برنامه ریزی درسی و متخصصان حوزه آموزش فنی حرفه ای شاخه کاردانش مصاحبه به عمل آمد. در مرحله اولیه که کدگذاری باز بود تعداد ۱۹۴ گویه از مصاحبه های صورت گرفته استخراج شد. در نهایت داده های حاصل از مصاحبه پس از طی مراحل کدگذاری در قالب جدول زیر تهیه و تنظیم گردید.

یافته های ناشی از مطالعه کیفی (تحلیل محتوای استقرایی) در پاسخ به سؤال تحقیق در خصوص ویژگی های ابعاد و مؤلفه های برنامه درسی زاید متوسطه دوم شاخه کاردانش به شرح ذیل است:

فضای آموزشی: مفاهیم مقوله فضای آموزشی شامل امکانات آموزشی، وسایل کمک آموزشی، منابع مالی، شبکه ارتباطی و محیط آموزشی می باشد که در این تحقیق بدست آمده و در ذیل به آن ها اشاره گردیده است. فضاهای آموزشی همواره کانون تحولات اجتماعی در جامعه بوده است و به همین دلیل تأثیرات مهمی در پویایی علمی جامعه دارد. در سال های اخیر با توجه به

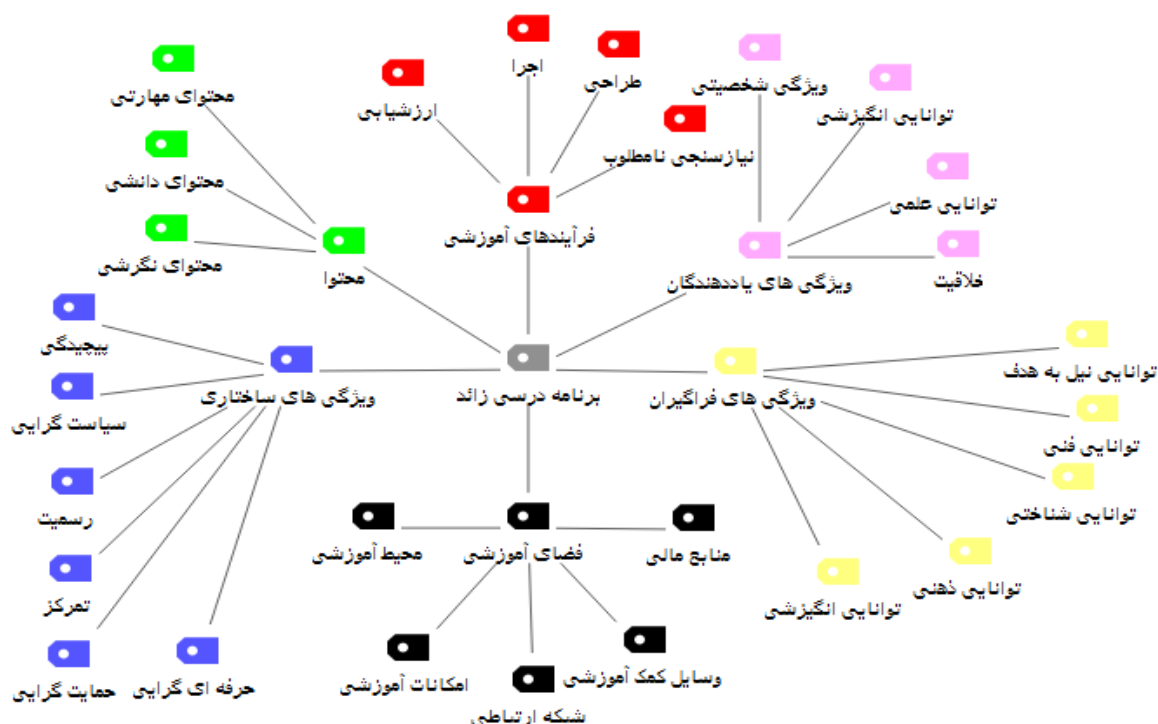
رشد روز افزون علمی و صنعتی جوامع، باعث شده است این مقوله مورد توجه جدی متخصصان قرار گیرد. فضای آموزشی باید با سن و مقطع تحصیلی هماهنگ باشد. فضای آموزشی بیشترین اثر و نقش را بر ذهنیت و تمدن سازی جامعه دارد [۱۶]. فضاهای آموزشی باعث رشد و یا توقف در امر برنامه درسی زاید می شود. عناصر تشکیل دهنده فضای آموزشی مثل امکانات آموزشی، وسایل کمک آموزشی، منابع مالی، تجهیزات و ... می تواند اثرات مثبت و منفی بر برنامه درسی زاید داشته باشد.

در این خصوص یکی از مصاحبه شوندگان عنوان می کند که: «... فراهم کردن منابع ها و تخصیص امکانات جدید و به روز، به کاهش برنامه های درسی زاید و در مقابل به اثر بخشی برنامه های درسی کمک خواهد کرد. مسئله ای که در برنامه درسی زاید مهم است این است که هنرستان های کاردانش در مکان و جای مناسب قرار نگرفته اند. به عبارت دیگر هنرستان ها در کنار مراکز صنعتی و خدماتی قرار نگرفته اند...».

جدول ۲. ابعاد و مؤلفه ها و عبارت های کوتاه از واحدهای معنایی مصاحبه

ردیف	مفاهیم	مقوله ها
۱	امکانات آموزشی، وسایل کمک آموزشی، منابع مالی، شبکه ارتباطی، محیط آموزشی	فضای آموزشی
۲	توانایی انگیزشی، توانایی ذهنی، توانایی شناختی، توانایی فنی، توانایی نیل به هدف	ویژگی های فراگیران
۳	پیچیدگی، سیاست گرای، رسمیت، تمرکز، حمایت گرای، حرفه ای گرای	ویژگی های ساختاری
۴	خلاقیت، توانایی علمی، توانایی انگیزشی، ویژگی شخصیتی	ویژگی های یاددهندگان
۵	محتوای نگرشی، محتوای دانشی، محتوای مهارتی	محتوا
۶	نیازسنجی نامطلوب، طراحی، اجرا، ارزشیابی	فرایندهای آموزشی

شکل ۱. مدل کیفی استخراج شده از داده های مصاحبه با نرم افزار کیفی مکس کیودا ۱۲ را نشان می دهد.



مدل کیفی استخراج شده از داده های مصاحبه با نرم افزار کیفی مکس کیودا ۱۲

ویژگی‌های فراگیران: دانش آموزان به عنوان کسانی که آینده کشور را می‌توانند تغییر دهند، افرادی هستند با ویژگی‌های منحصر به فرد که به رشد شخصیت آن‌ها در دوران نوجوانی بایستی توجه خاص نمود. بخش قابل توجهی از این رشد در مدارس صورت می‌گیرد. در جهان امروز صرف داشتن اطلاعات زیاد راهگشا نیست، آنچه اهمیت دارد استفاده از حجم وسیع اطلاعات و به کارگیری آن در همه حیطه‌های زندگی است. ویژگی‌های فراگیران شامل مفاهیم توانایی انگیزشی، توانایی ذهنی، توانایی شناختی، توانایی فنی و توانایی نیل به هدف می‌باشد.

در این خصوص یکی از مصاحبه شوندگان عنوان می‌کند که: «... یکی از مباحثی که بایستی در برنامه ریزی درسی زاید مطرح گردد استقبال کم به تحصیل دانش آموزان در رشته کاردانش می‌باشد. دانش آموزانی که علاقه‌ای برای رسیدن به اهداف ندارند. یعنی علاقه مندی به کار و رشته ندارند و همچنین یک مورد دیگر این است که انگیزه‌ای برای این که خوداشتغالی در آینده داشته باشند ندارند یعنی منابع و امکاناتی وجود ندارد...».

ویژگی‌های ساختاری: خودمختاری معلمان در انتخاب برنامه‌های درسی یکی دیگر از مسائل مهم است. معلمان خودمختار احساس می‌کنند که در انجام دادن وظایف استقلال دارند و می‌توانند در مورد فعالیت‌های شغلی خود تصمیم بگیرند. احساس خودمختاری علاوه بر این که یک نیاز روانی است، به فرد احساس آزادی عمل و انتخاب کردن می‌دهد [17]. انتخاب مدیران با گرایش‌های سیاسی می‌تواند بر کارایی برنامه درسی تأثیرگذار باشد. مدیران سیاسی، جو حاکم بر مدرسه را مطابق میل درونی خود تغییر می‌دهند و به جای توجه به علایق و نیازهای دبیران، با رویکرد خودمحوری پیش می‌روند. ویژگی‌های ساختاری شامل مواردی می‌شود که مرتبط با ساختار سازمانی باشد که در این تحقیق ویژگی‌های ساختاری شامل حرفه‌ای گرایی، حمایت گرایی، تمرکز، رسمیت، سیاست گرایی و پیچیدگی می‌باشد.

در این خصوص یکی از مصاحبه شوندگان عنوان می‌کند که: «... سیاسی کردن حوزه آموزش و پرورش بسیار با اهمیت است. هنرستان‌های کاردانش نیز در این مورد از این موضوع بی‌نصیب نبوده اند. انتخاب مدیران این مدارس بر اساس باند و حزب و نه بر اساس تخصص و توانمندی گاه می‌تواند بر برنامه درسی زاید و ناکارآمدی مدیر در جهت پیشبرد اهداف هنرستان‌ها نقش داشته باشد. به عنوان مثال وقتی مدیر یک هنرستان کاردانش دکترای عربی دارد یا دکترای الهیات دارد چگونه می‌تواند برنامه‌ریز خوبی جهت پیشبرد اهداف و مقاصد رشته کاردانش باشد. این گونه مدیران فقط به فکر مدیریت کردن هستند نه به فکر کیفیت آموزش و کیفیت برنامه‌های درسی...».

ویژگی‌های یاددهندگان: آگاهی فراشناختی نقش مهمی در دقت، حل مسئله کنترل خود، خودآموزی و تغییر رفتار دارد.

تحقیقات نشان داده است که فراشناخت در معلمان نیز می‌تواند بر روی یادگیری دانش آموزان تأثیر بگذارد. فراشناخت معلم می‌تواند بر درک دانش آموزان نظارت کند و فرایند حل مسئله آنها را نظم ببخشد [18]. استانداردهای حرفه‌ای معلمی یا همان مهارت‌های حرفه معلمی نقش بسیار مؤثری در ایجاد یادگیری مؤثر دارد. هنگامی که معلمان در این مهارت‌ها تخصص و توانایی کافی و لازم را داشته باشند، می‌توانند از دانش، مهارت‌ها و تخصص خود در فرایند آموزش استفاده کرده و بدین ترتیب زمینه مساعدی را برای پیشرفت تحصیلی بیشتر دانش آموزان فراهم سازند. معلمان و یا یاددهندگان دو وظیفه اصلی دارند که وظیفه مهم‌تر و شاخص‌تر، مسئولیتی است که آنها در قبال فرهنگ جامعه دارند و وظیفه دیگر، وظیفه‌ای که در برابر دانش آموزان و دانش آموختگان دارند. کم‌رنگ شدن یک وظیفه در قبال وظیفه دیگر، باعث می‌شود که آسیب‌های جدی به جامعه وارد گردد. موفقیت هر نظام آموزشی و به تبع آن برنامه‌های درسی به دانش و توانایی‌های معلمان بستگی دارد. در میان عناصر اثرگذار بر برنامه درسی معلم نقش زیادی دارد. لذا می‌توان گفت معلم معمار اصلی نظام آموزشی است. از جمله ویژگی‌های یاددهندگان یا معلمان و مربیان در موضوع برنامه درسی زاید مفاهیمی چون خلاقیت، توانایی علمی، توانایی انگیزشی و ویژگی شخصیتی می‌باشد.

در این خصوص یکی از مصاحبه شوندگان عنوان می‌کند که: «... یکی از مباحث بسیار مهم در برنامه درسی زاید این است که گاه معلمان و اساتیدی وظیفه تدریس را به عهده دارند که یا ناکارآمد هستند و یا خلاقیتی در روش تدریسی که سر کلاس ارائه می‌نمایند ندارند. خلاقیت بحث بسیار مهمی است که اگر فرهنگ آن در مدارس و دانشگاه‌ها ترویج پیدا کند می‌تواند نتایج بسیار خوبی را به دنبال داشته باشد. معمولاً در برنامه درسی زاید، معلمان و مربیان توان ایده پردازی را ندارند بعبارت دیگر خلاقیتی از این حیث ندارند...».

محتوا: یکی از موضوعات مهم در برنامه‌ریزی درسی، اهمیت نوسازی و تجدید نظر در برنامه درسی و هماهنگ بودن محتوا و روش‌های تدریس با شرایط در حال تغییر و نامطمئن است. در واقع عدم تناسب برنامه درسی با شرایط و نیازهای موجود سبب هدر رفتن سرمایه‌گذاری دولت و افراد به لحاظ مادی و از دست دادن زمان می‌شود [19]. محتوا یکی از عناصر عمده‌ای است که هدف‌های برنامه درسی، یعنی یادگیری موردنظر، از طریق آن تحقق می‌یابد. محتوا یکی از عوامل مهم ارتقای کیفیت آموزش است. محتوا در برنامه درسی زاید شامل محتوای نگرشی، محتوای دانشی و محتوای مهارتی می‌باشد. محتوا در برنامه درسی زاید از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است.

در این خصوص یکی از مصاحبه شوندگان عنوان می‌کند که: «... یکی از مسائلی که در کشور ما و مدارس کاردانش وجود دارد این است که علم و دانشی که در برنامه‌های درسی وجود دارد

برگرفته و یکی از دیگر کشورهاست. یعنی ما به صورت مستقل و مطابق با ساختار و فرهنگ کشور خودمان و نیازهای جامعه، برنامه درسی به صورت کامل نداریم. سیاست‌گذاری در این مورد بایستی اصلاح گردد. یعنی سیاست‌هایی باید اتخاذ گردد که برنامه درسی مطابق با فرهنگ و نیاز جامعه خودمان تدوین و سپس اجرا و ارزیابی گردد...».

فرآیندهای آموزشی: فرآیندهای آموزشی شامل یکسری از فعالیت‌های متصل بهم می‌باشد که ابتدا ورودی را دریافت می‌کند و آن را به خروجی تبدیل می‌کند. فرایندها معمولاً به صورت چرخه عمل می‌نمایند. فرآیندهای آموزشی در برنامه درسی زاید شامل نیازسنجی نامطلوب، طراحی، اجرا و ارزشیابی می‌باشد. فتحی و اجارگاه در اهمیت فرایندهای آموزشی می‌گویند: «نیازسنجی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های برنامه‌ریزی درسی محسوب می‌شود. نیازسنجی فرایندی ضروری از برنامه‌ریزی درسی است که بدون آن هدف و مسیر حرکت مشخص نمی‌گردد. توجه به طراحی برنامه درسی نیز مهم است زیرا عناصر تشکیل دهنده برنامه درسی در این مرحله مشخص می‌گردد. اهمیت اجرای برنامه درسی نیز از آن جهت است که کلیه طرح‌ها و برنامه‌ها در صورتی موفق به ایجاد تغییرات مطلوب می‌شوند که در مرحله اجرا با موفقیت پیاده شوند. ارزشیابی نیز بسیار مهم است زیرا بسیاری از تصمیمات را براساس ارزشیابی اتخاذ می‌کنیم و اقدامات معینی را دنبال یا قطع می‌نماییم» [۳].

در این خصوص یکی از مصاحبه‌شوندگان عنوان می‌کند که: «... با عنصر نیاز سنجی مشخص می‌شود که چه مطالب و محتوایی باید در برنامه‌های درسی گنجانده شود. اکثر مواد درسی رشته‌های کار دانش منسوخ و از رده خارج شده و با شرایط جدید بازار کار جهانی و بین‌المللی همخوانی ندارد. لذا گهگاهی این برنامه‌های درسی موجب پیدایش برنامه درسی زاید در این رشته خواهد شد و نیاز است به دلایل متعددی در جهت کیفیت بخشی و کارآمدی برنامه درسی، برنامه درسی شاخه کار دانش مورد بررسی و واکاوی قرار گیرد تا عوامل متعدد و اثر گذار بر پیدایش برنامه‌های درسی زاید شناسایی و در جهت رفع یا کاهش آنها از طرف مسئولین امر اقدام لازم صورت پذیرد...».

بحث

هدف پژوهش حاضر واکاوی ابعاد برنامه درسی زاید دوره متوسطه دوم آموزش فنی حرفه‌ای شاخه کار دانش بود. پژوهش حاضر در پی پاسخ به دو سؤال مؤلفه‌های پیش‌بینی‌کننده و ابعاد برنامه درسی زاید دوره تحصیلی مورد مطالعه بود. نتایج حاصل از بررسی مصاحبه‌ها در ارتباط با سؤال‌های تحقیق نشان داد عناصر و عوامل متعددی در شکل‌گیری برنامه درسی زاید نقش دارند. حاصل تحلیل مصاحبه‌های نیمه‌ساختارمندی که در سطح متخصصان برنامه درسی و صاحب‌نظران آموزش فنی حرفه‌ای

شاخه کار دانش انجام شد، مشخص نمود از میان عوامل و عناصر متعدد، ابعاد و مؤلفه‌های فضای آموزشی (امکانات آموزشی، وسایل کمک آموزشی، منابع مالی، شبکه ارتباطی و محیط آموزشی)، ویژگی‌های فراگیران (توانایی انگیزشی، توانایی ذهنی، توانایی شناختی، توانایی فنی و توانایی نیل به هدف)، ویژگی‌های ساختاری (حرفه‌ای‌گرایی، حمایت‌گرایی، تمرکز، رسمیت، سیاست‌گرایی و پیچیدگی)، ویژگی‌های یاددهندگان (خلاقیات، توانایی علمی، توانایی انگیزشی و ویژگی شخصیتی)، محتوا (محتوای دانشی، مهارتی و نگرشی)، و فرایندهای آموزشی (نیازسنجی نامطلوب، طراحی، اجرا و ارزشیابی) بیشترین نقش را در ایجاد برنامه درسی زاید دارند. نتایج حاصل از پژوهش حاضر با نتایج پژوهش‌های گذشته از جمله؛ چلیا [۲۰] که در پژوهش خود به این نتیجه رسید که توان یادگیری، نحوه آموزش و در کل کیفیت آموزش در ایجاد یادگیری اثربخش کاملاً مؤثر هستند، طرخان و همکاران [۵] که در پژوهش نشان دادند نیازسنجی معیوب، انقباض در روش، نیروی انسانی ناکارآمد و محیط نامناسب یادگیری با شکل‌گیری برنامه درسی زاید رابطه معناداری دارد و همچنین با پژوهش حسینی لرگانی و همکاران [۴] که در تحقیقات خود به این نتیجه رسیدند که کاربردی نبودن درس‌ها، نامتناسب بودن محتوا و برنامه درسی ناکارآمد در ایجاد برنامه درسی زاید مؤثر هستند، همسو می‌باشد.

در ارتباط با اولین مقوله تحت عنوان فضای آموزشی نتایج مصاحبه‌ها نشان داد مؤلفه‌های امکانات آموزشی، وسایل کمک آموزشی، منابع مالی، شبکه ارتباطی و محیط آموزشی در ایجاد برنامه درسی زاید مؤثر هستند. این یافته‌ها با تحقیق افلاکی فرد و بزم [۲۱] که نشان دادند فضاهای آموزشی می‌توانند باعث رشد و یا بازدارندگی در امر یادگیری باشند و رعایت ضوابط و استانداردها در طراحی فضاهای آموزشی هنرستان‌ها می‌تواند باعث ایجاد حسن رضایت و تعلق‌پذیری فراگیران به فضاهای آموزشی گردد هماهنگ است. همچنین با نتایج پژوهش طرخان و همکاران [۵] که نشان دادند یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار در کاهش و یا افزایش ضایعات برنامه درسی محیط یادگیری است و در آموزش‌های فنی حرفه‌ای به ویژه کار دانش به واسطه برخورداری از ماهیت مهارتی و عملی، ناگزیر تجهیزات و مواد مصرفی آموزشی و کمک آموزشی، از مؤلفه‌های بسیار مهم محسوب می‌شوند همخوانی دارد. لذا عدم وجود تجهیزات و وسایل به روز آموزشی، کمبود منابع مالی، وجود شبکه ارتباطی معیوب، معماری نامناسب محیط آموزشی، دور بودن هنرستان‌ها از مراکز صنعتی و خدماتی، عدم وجود ایمنی و بهداشت محیط کار و ... از مهم‌ترین مؤلفه‌های افزایش برنامه درسی زاید تلقی می‌شوند. در ارتباط با مقوله دوم تحت عنوان ویژگی‌های فراگیران نتایج حاصل از مصاحبه‌ها نشان داد وجود عواملی همچون توانایی انگیزشی، توانایی ذهنی، توانایی شناختی، توانایی فنی و توانایی

نیل به هدف در ایجاد برنامه درسی زاید در فراگیران نقش دارند. در تبیین چگونگی تأثیر این عوامل بر کاهش یادگیری مؤثر خدیوی و مفاخری [۲۲] در پژوهش خود عنوان کردند که از دیدگاه روان‌شناختی انگیزش یکی از عوامل اصلی رفتار است و در تمام رفتارها از جمله یادگیری، عملکرد و ادراک، دقت، یادآوری، فراموشی، تفکر، خلاقیت و هیجان اثرگذار است. همچنین یافته‌ها با نتایج تحقیق سیف و مصرآبادی [۲۳] که بیان کردند رشد راهبردهای شناختی و فراشناختی فراگیران می‌تواند بر افزایش درک و نگهداری متون درسی مؤثر باشد مطابقت دارد. لذا باید زمینه‌های لازم برای شناخت و رشد توانایی‌های مختلف شناختی و فراشناختی فراگیران را فراهم نمود. معلمان می‌توانند از راه آموزش این مهارت‌ها، به دانش آموزان خود کمک کنند تا یادگیرندگان موفق‌تری باشند. در تبیین مقوله سوم از عوامل مؤثر بر شکل‌گیری برنامه درسی زاید در آموزش فنی حرفه‌ای شاخه کاردانش می‌توان گفت نقش ویژگی‌های ساختاری مانند حرفه‌ای گرای، حمایت گرای، تمرکز، رسمیت، سیاست گرای و پیچیدگی را نمی‌توان نادیده گرفت. یکی از متغیرهای اثرگذار بر اثربخشی برنامه‌های درسی، حرفه‌ای گرای معلمان است. در این زمینه نولان و هوور [۲۴] در یافته‌های خود نشان دادند رشد حرفه‌ای یا حرفه‌ای گرای معلمان به عنوان راهبردی برای بهبود کیفیت و افزایش اثربخشی مدرسه، بهبود شایستگی‌های حرفه‌ای معلم و بهبود فعالیت‌های آموزشی نقش مؤثری در افزایش عملکرد برنامه‌های درسی دارند. در ذیل مؤلفه تمرکز گرای و رسمیت [۵] به این نتایج دست یافتند که کپی ناقص از ساختار آموزشی دیگر کشورها نشان از تمرکز، رسمیت و سیاست گرای در نظام آموزشی کشور از جمله شاخه کاردانش دارد. وجود این رویکرد ناقص منجر به طراحی سیستم‌های ناقص، انعطاف ناپذیر و ناکارآمد خواهد شد. همسو با نتایج بدست آمده در این تحقیق مطالعه حکیم زاده و همکاران [۲۵] اشاره می‌کنند که متأسفانه میان مراکز آموزش مهارتی و مراکز صنعتی و نیازهای بخش سه گانه اقتصادی ارتباط کافی وجود ندارد که نشان از عدم حمایت از برنامه‌های درسی شاخه کاردانش است. در ارتباط با مقوله چهارم تحت عنوان تأثیر ویژگی‌های یاددهندگان در شکل‌گیری برنامه درسی زاید دوره مزبور نتایج حاصل از استخراج مصاحبه‌های صورت گرفته شامل کدهای محوری خلاقیت، توانایی علمی، توانایی انگیزشی و ویژگی شخصیتی بود. در ارتباط با تبیین چگونگی تأثیر ویژگی‌های ذکر شده در ایجاد برنامه درسی زاید می‌توان گفت وجود ویژگی‌های شخصیتی در یاددهندگان کلیدی است برای توانایی شناختی که به آنها اجازه می‌دهد تا افکارشان را کنترل و بازسازی کنند و نقش اساسی در یادگیری ایفا می‌کند [۲۶]. در همین راستا دیل [۲۷] در پژوهشی تحت عنوان تحلیل ادراکات دانشجویان از تدریس اثربخش به این نتیجه دست یافت که دانشجویان استنادی را اثربخش می‌دانند که آماده‌اند به آن‌ها

گوش فرا دهند، در موضوع تخصصی خود دانشمند هستند، احساساتی هستند، یاری دهنده‌اند، می‌فهمند و می‌فهمانند. همچنین یافته‌ها با نتایج پژوهش قربانی و همکاران [۲۸] که نشان دادند تسلط استاد بر درس مورد تدریس، نحوه ساماندهی و تنظیم درس و علاقه‌مندی به تدریس از خصوصیات یک استاد توانمند است همخوانی دارد. نتایج حاصل از تحلیل مصاحبه‌ها مقوله محتوا را به عنوان یکی دیگر از عوامل اثرگذار بر برنامه درسی زاید با کدهای محوری محتوای دانشی، نگرشی و مهارتی مشخص نمود. در راستای تبیین چگونگی تأثیر محتوا بر شکل‌گیری برنامه درسی زاید پژوهش‌های همسو، نشان داد برنامه درسی که محتوایی ناکارآمد و غیر اثربخش با خود به همراه داشته باشد پیامد آموزش چنین برنامه‌ای، چیزی جز دانش آموختگان غیر ماهر و کم کیفیت و در نهایت بیکاری نخواهد بود [۴]. از طرفی فراگیرانی که باور دارند تکالیف جالب، مهم و با ارزش است بیشتر در فعالیت‌های شناختی درگیر می‌شوند و از راهبردهای شناختی و نظارتی بیشتری استفاده می‌کنند و قاعدتا از پیشرفت تحصیلی بالاتری نیز برخوردارند [۲۹]. بنابراین در صورتی که مسئولان نظام آموزشی به تدارک محتوای آموزشی مناسب اقدام کنند به طوری که برای فراگیران جالب باشند، متنوع باشند، متناسب با رشته تحصیلی آنان باشند و همچنین دارای سطح مناسبی از کاربرد در آینده باشند منجر به افزایش انگیزش و علاقه به تحصیل آنان خواهند شد و زمینه را برای پیشرفت تحصیلی فراهم خواهند آورد [۳۰]. و در آخر در ارتباط با مقوله ششم پژوهش تحت عنوان تأثیر فرایندهای آموزشی بر پیدایش برنامه درسی زاید در آموزش فنی حرفه‌ای شاخه کاردانش نتایج حاصل از مصاحبه‌ها منجر به پیدایش کدهای محوری نیازسنجی نامطلوب، طراحی، اجرا و ارزشیابی گردید. در ارتباط با تبیین چگونگی اثرگذاری این قبیل فرایندها می‌توان گفت نیازسنجی امری حیاتی و ضروری در فرایند برنامه‌ریزی درسی است که بدون آن مسیر حرکت و هدف برنامه مشخص نمی‌شود. پژوهش‌های همسو در این مورد نشان دادند بدون انجام یک نیازسنجی درست، امکان تنظیم درست اهداف برنامه، تخصیص منابع لازم و ارائه دیدگاه‌ها و روش‌های مناسب برای رفع این نیازها وجود ندارد [۵]. از طرفی هم به روز نبودن دانش تخصصی طراحان، اطلاع ناکافی طراحان از دانش روز، تجارب و تحولات بین‌المللی، گسستگی ارتباط طراحان در تدوین برنامه با ذی‌نفعان و تدوین برنامه‌های درسی بدون توجه به نیازهای بازار کار از جمله عوامل اثر گذار بر شکل‌گیری و پیدایش برنامه‌های درسی زاید است [۳۱].

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بدست آمده می‌توان گفت که در نظر گرفتن عواملی همچون نگرش، انگیزه و توانایی مربیان و هنرجویان،

که این امر محقق را با نگرانی و مشکل مواجه می‌کرد.

ملاحظات اخلاقی

در این پژوهش رضایت آگاهانه مشارکت کنندگان در مصاحبه و رعایت حقوق انسانی آن‌ها در تمام مراحل تحقیق مورد احترام بوده است. لازم به ذکر است این مقاله برگرفته از رساله دکتری رشته برنامه‌ریزی درسی است که با کد مصوبه طرح ۱۳۳۲۰۶۰۳۹۵۱۰۰۹ در دانشگاه آزاد اسلامی تربت حیدریه به ثبت رسیده است.

سپاسگزاری

از همه کسانی که ما را در کلیه مراحل انجام این پژوهش یاری رساندند صمیمانه تقدیر و تشکر می‌نمایم.

تضاد منافع

نویسندگان تصریح می‌نمایند هیچگونه تعارض منافی در مطالعه حاضر وجود ندارد.

منابع

1. Mirkamali, SM. Leadership in Educational Management, Fifth Edition, Tehran: Eustaver Publishing. 200۴.
2. Kosari M, Norouzzadeh R. [An explanation of four elements of B.A curriculum with an emphasis on entrepreneurship skills development]. *Quarterly Journal of Research and Planning in Higher Education*. 2009; 15(54):1-18.
3. Fathi K. [Principles and concepts of curriculum]. Tehran: Bal Publication; 20۰۹.
4. Hosseini Lorgani M, Fathi VK, Arefi M, Zarafshani K. [Developing a model for evaluating scrap curriculum in Iranian higher education]. *Quarterly Scientific Research Journal of Research in Educational Systems*. 2014; 8(27):149-174.
5. Tarkhan RA, Hakimzadeh R, Dehghani M, Salehi K. [Designing a model for reducing curriculum waste in technical & vocational training]. *Quarterly Journal of Applied Psychological Research*. 2017; 2(8):139-159.
6. Holton, J. A. The coding process and its challenges. In: Bryant A, Charmaz, K, eds. *The sage handbook of grounded theory*. Thousand Oaks, CA: Sage. 2010. P. 265-291.
7. King, K. Moving the needle how skill soft learning inflects performance of individuals. 2015
8. Khanna, N. How to find the RoI of your Next Training Initiative? 2013. www.24x7learning.com
9. Pascale, Cindy. Competency development best practice: learn the five best practice to develop employee competencies. 2012. www.vadoinc.net.
10. Mattox, John R. Scrap learning and manager engagement. 2011. www.clomedia.com.
11. Jr, Estep, Riley, James. Where you go, *There you are: The need for Educational Maps in the Church*. Handbook of Mapping Out Curriculum in Your Church. B&H Publishing Group Nashville, Tennessee. Estes. 2012. P. 1-20.
12. Sojudi A, Shekari A, Amini M. [Comparing role and

محتوای استاندارد و به روز، ارائه حمایت‌های لازم در زمینه‌های مختلف، به کارگیری امکانات و تجهیزات جدید، توجه به طراحی و معماری فضاهای هنرستان‌ها و حتی الامکان ساخت آن‌ها در جوار مراکز صنعتی، توجه به نیاز کارکنان و نتایج ارزشیابی می‌تواند در کاهش یادگیری زاید و ایجاد یادگیری کارآمد و اثربخش مفید باشد. قطعاً برنامه درسی دارای ابعاد اثرگذار مختلفی است که نقصان و کوتاهی در هر کدام از آنها می‌تواند از اثربخشی و کارایی برنامه‌های درسی کاسته و به تبع آن برنامه درسی زاید را که در نقطه مقابل آن قرار دارد پدید آورد. برنامه درسی زاید طبق نظر متخصصان برنامه درسی می‌تواند در کلیه مقاطع و دوره‌های تحصیلی به طور نسبی وجود داشته باشد. لذا می‌توان گفت که پیدایش این نوع از برنامه درسی حتی در آموزش عالی و رشته‌های علوم پزشکی نیز می‌تواند وجود داشته و به تبع آن موجبات یادگیری غیر اثربخش را به وجود آورد. از محدودیت‌های بوجود آمده در جریان این پژوهش به لحاظ بعد مکانی می‌توان به این نکته اشاره کرد که دسترسی به متخصصان برنامه درسی و صاحب نظران حوزه آموزش فنی حرفه‌ای و کاردانش تقریباً سخت بود و بعضاً نیز تمایل به همکاری و شرکت در فرایند مصاحبه نداشتند

- contribution of curriculum components in occurrence and reduction of scrap learning from perspectives of students at Dezfoul universities. *Kashan University*. 2017.
13. Parvande R, Hassanshahi M. [Challenges against implementation of note 57 (education along with production): Perspectives of managers at Iranian work & knowledge schools. Education. 3rd district of Shiaz.
 14. Momeni Rad A, Aliababdi K, Fardanesh H, Mozayyeni N. [An analysis of qualitative content in research tradition: nature, stages and validity of the results]. *Quarterly journal of educational measurement*. 2013; 4(114): 189-222.
 15. Streubert Hj, Carpenter D.R. Qualitative research in nursing advancing the humanistic imperative. Philadelphia: Lippincott, 2003.
 16. Bagheri S, Samei ME. [The effect of educational environment on students' academic achievement. National Conference on Educational Science and Psychology.
 17. Dehghan S. [The role of educational managers in creating ethical atmosphere and social support and its correlation with organizational performance]. *Quarterly Journal of Education & Training*. 2016; (128): 102-124.
 18. Heidari N. [Important indexes in academic achievement of students. *Quarterly Journal of Psychology Studies*. 2017; 3(2): 53-67.
 19. Mirzaei M, Ajam AA. [On the role of university students' attitudes towards curriculum components in tendency towards critical thinking and education satisfaction]. Khorasan Razavi Payam-e Noor University, Gonabad Center. 2015.
 20. Chelliah S, Bujang T, Lew T Y, Adriel K. [Relationship between training components, work environment and participants' characteristics on transfer of training skills and organizational commitment]. 2016.
 21. Aflaki Fard H, Bazm G. [The effect of educational environment on students' happiness and learning]. *New achievement in humanities*. 2018; 1 (2).
 22. Khadivi A, Mafakheri A. [Relationship between

- Achievement Motivation, Source of Control, Self-Concept and Academic Achievement of Secondary school students of Tabriz five districts]. *Journal of Educational Sciences*, 2011; (4): 13-45.
23. Seif AA, Mesrabadi J. [The effectiveness of learning strategies on reading speed, retention and comprehension of different texts]. *Quarterly Journal of Education & Training*. 2003; 19(2): 37-54.
24. Nolan J, Hoover, LA . [Teacher supervision and evaluation: theory and practice]. (Bijan Abdollahi, Trans). *Tehran: Kharazmi University Publication*; 2016.
25. Hakimzadeh R, Torkan R A, Bahmani M. [The need for change in the curriculum of technical and vocational schools based on the comparative study of Germany; The first conference on changes in curriculum]. *Birjand University*. 2013.
26. Attarkhame F, Seif AA. [The effect of metacognitive study learning strategies instruction on students' motivation and achievement]. *Journal of Educational Psychology Studies*. 2009; (9): 57-74.
27. Deal, S.R. [Graduate students perceptions of teacher's effectiveness, Ph.D dissertation]. 2005; ۸۷۰.
28. Ghorbani, R, Haji Aghajani, S, Heidarifar, M, Andade, F, Shams Abadi, M. [Viewpoints of nursing and paramedical students about the features of a good university lecturer]. *Journal of Semnan University of Medical Sciences*. 2009; ۱۰(۳): 77-83.
29. Hanus MD, Fox J. [Assessing the effects of gamification in the classroom: A longitudinal study on intrinsic motivation, social comparison, satisfaction, effort, and academic performance]. *Comput Educ*. ۲۰۱۵; 61-80.
30. Zee M, Koomen HMY. [Teacher Self-Efficacy and Its Effects on Classroom Processes, Student Academic Adjustment, and Teacher Well-Being]. *Rev Educ Res*. ۲۰۱۶; (4)۸۶: 981-1015.
31. Hosseini Lorgani M, Fathi VK. [Conceptualization of scrap learning in the Iranian educational system]. *Research on curriculum*. 2017; (2): 1-27.